

جستاری در مفهوم واژه «مهد» در قرآن کریم*

محمدحسین نقی‌زاده**
فیروزاصلانی***
صمد عبداللهی عابد****

چکیده

واژه مهد و مشتقات آن، یکی از پرکاربردترین عبارات به کار رفته‌شده در قرآن می‌باشد. وجود معانی متعدد برای یک واژه، خواننده را سردرگم کرده و در نتیجه، از تشخیص معنای حقیقی و جامع یک واژه، و نیز فهم مقصود خدای متعال از آیات قرآن، عاجز می‌نماید؛ چرا که در صورت تعدد غیر ضروری معنا برای یک واژه، گاه خواننده نمی‌داند باید کدام معنا از یک لغت را با کدام کاربرد آن در قرآن کریم، تطبیق دهد. در این‌گونه موارد، رسیدن به معنایی واحد و جامع، می‌تواند چاره‌ساز باشد. دانشمندان لغت، معنایی تحت عنوان «گهواره»، «آماده کردن جایی برای سکونت و استراحت»، «گستراندن فرش و مانند آن» و «آماده و هموار کردن» را برای واژه «مهد»، ذکر کرده‌اند؛ از این رو، نوشتار حاضر درصدد آن است تا با بررسی میزان مطابقت هر یک از معانی مذکور با کاربردهای واژه «مهد» در قرآن، معنایی را برگزیند که دقیق و جامع بوده و با تمامی کاربردهای این واژه در قرآن، مطابقت نماید. بر اساس پژوهش حاضر، تطابق سه معنای نخست از معانی مذکور با تمام کاربردهای واژه «مهد» در قرآن، محل اشکال است؛ از دیدگاه نگارندگان، معنای چهارم، جامع‌تر و دقیق‌تر بوده و با تمام کاربردهای «مهد» و مشتقات آن در قرآن، مطابقت کامل داشته، آنها را در بر می‌گیرد که در طول نوشتار حاضر، به ذکر و بررسی آنها پرداخته و گامی در جهت اثبات این مدعا به عمل خواهد آمد.

کلیدواژه‌ها: مهد، قرآن، مهد، خلود، جهنم

* تاریخ دریافت: ۹۹/۰۱/۲۸ تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۲/۲۵

** دانشجوی علوم قرآن و حدیث دانشگاه شهید مدنی آذربایجان (نویسنده مسئول) mhnzmhnz87@gmail.com

*** استادیار دانشکده معارف دانشگاه علوم پزشکی مراغه Fz002813@gmail.com

**** دانشیار دانشگاه شهید مدنی آذربایجان s1.Abdollahi@yahoo.com

۱. مقدمه

واژه «مهد» و مشتقات آن، ۱۵ بار و در مواضع مختلفی از آیات قرآن کریم، به کار رفته است. ارباب لغت، در معنای «مهد»، به ذکر معنایی چند پرداخته‌اند؛ ابن منظور، ابن فارس و طریحی، مهد را به معنای آسان و هموار ساختن جایی و یا پهن و گسترده کردن چیزی اعم از فرش و مانند آن می‌دانند. (ر.ک: ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ۵/۲۸۰؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۳/۴۱۰؛ طریحی، ۱۳۷۵ش: ۳/۱۴۷) راغب اصفهانی، مهد را به معنای جای همواری می‌داند که برای نوزاد آماده می‌گردد. (ر.ک: راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۷۸۰) علامه مصطفوی، مهد را به معنای قراردادن جای گسترده‌شده و همواری برای استراحت و سکونت می‌داند. (ر.ک: مصطفوی، ۱۴۲۶ق: ۱۱/۱۸۹) حسینی زبیدی، نظر راغب اصفهانی و حسن مصطفوی را پذیرفته و معتقد است که مهد، بسته به شرایط مختلف، ممکن است در هر دو معنا استعمال شود؛ (ر.ک: حسینی زبیدی، ۱۴۱۴ق: ۵/۲۶۳) اما معنای ذکر شده، از اختلاف برخوردار بوده و گاه، اشکالاتی دارند؛ به عنوان مثال، اگر واژه «مهد» را به طور مطلق به معنای گهواره بگیریم، در صورت به کار بردن آن در مورد جهنم یا دنیا، در تطبیق معنا به مشکل برخوردیم خورد؛ بدین جهت است که برای رهایی از این مشکل، شایسته است که به بررسی و ارزیابی معانی ذکر شده، به کمک بررسی کاربردهای «مهد» در قرآن کریم پرداخته شود. نوشتار حاضر، سعی در ذکر و تطبیق معنای ذکر شده برای «مهد»، و تطبیق آن‌ها با کاربردهای آن در قرآن کریم دارد تا گامی در جهت گزینش معنای صحیح و جامعی برای این واژه، بردارد.

۲. بررسی کاربردهای واژه «مهد» در قرآن کریم

واژه‌ی مهد، در مواضع متعدد و متخلفی از آیات قرآن کریم به کار رفته است که از آن جمله است:

۲-۱. زمین

یکی از مواضعی که واژه مهد چند بار در آن موضع و در کنار آن به کار رفته است، واژه «أرض» است؛ قرآن کریم، زمین را به «مهد» یا «مهاده» بودن، توصیف نموده است. آیات دربردارنده این مطلب، بدین شرح‌اند:

۲-۱-۱. مورد نخست

قرآن کریم، در آیه ۵۳ سوره مبارکه طاهها، زمین را به صفت «مهد» بودن توصیف کرده، می‌فرماید: «الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ مَهْدًا وَ سَلَكَ لَكُمْ فِيهَا سُبُلًا وَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِّنْ نَّبَاتٍ شَتَّى؛ همان کسی که زمین را برایتان گهواره‌ای ساخت، و برای شما در آن، راه‌ها ترسیم کرد و از آسمان آبی فرود آورد؛ پس به وسیله آن، رُستنی‌های گوناگون، جفت جفت بیرون آوردیم.» (طاهها/۵۳)

۲-۱-۲. مورد دوم

مشابه همین مضمون، در آیه ۱۰ سوره مبارکه زخرف چنین آمده است: «الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ مَهْدًا وَ جَعَلَ لَكُمْ فِيهَا سُبُلًا لَّعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ؛ همان کسی که این زمین را برای شما گهواره‌ای گردانید و برای شما در آن راه‌ها نهاد، باشد که راه یابید.» (زخرف/۱۰)

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، معتقد است که منظور از «مهد» در این آیه، این است که زمین، محلی برای رشد و پرورش انسان از لحاظ روحی و معنوی، و کسب آمادگی برای آخرت است؛ به همان سان که کودکان در گهواره برای دوران بزرگسالی، کسب آمادگی می‌نمایند؛ (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ۱۷۱/۱۴) اما عده‌ای از مفسران پیشین، همچون طبری و طبرسی، در تفسیر مهد، رویکردی مادی دارند و آن را در مورد «ارض»، به معنای گسترانیدن و هموار کردن زمین، برای راحتی سیر و سفر انسان‌ها می‌دانند. (ر.ک: طبری، ۱۴۲۴ق: ۳۲/۲۵؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش: ۶۲/۹)

۳-۱-۲. مورد سوم

در آیه ۴۸ سوره ذاریات، چنین می‌خوانیم: «وَ الْأَرْضِ فَرَشْنَاهَا فَنَنْعَمُ الْمَاهِدُونَ» و زمین را گسترانیده‌ایم و چه نیکو گسترندگانیم.» (ذاریات/۴۸)

۴-۱-۲. مورد چهارم

در آیه ۶ سوره نبا نیز، مشابه همین مضمون، با این عبارت آمده است: «أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهَادًا؛ آیا زمین را گهواره‌ای نگردانیدیم؟» (نبا/۶)

علامه طباطبائی و علامه صادقی تهرانی، معتقدند که منظور از «مهاده» بودن زمین، و تمهید آن، توسط خداوند به معنای گسترده و هموار کردن آن، برای سکونت و راحتی انسان‌ها است. (ر.ک: طباطبائی، ۱۳۹۰ق: ۳۸۲/۱۸-۱۶۱/۲۰؛ صادقی تهرانی، ۱۴۰۶ق، ۳۳۷/۲۷) همین معنا، در مقدمه نوشتار حاضر، از سوی برخی از دانشمندان لغت ذکر شد. آیت‌الله جوادی آملی نیز در تفسیر تستیم، دیدگاهی مشابه همین دیدگاه را مطرح نموده و می‌فرماید: «مهد، به معنای مصدری، آماده و مهیا ساختن است، و «مهاده» و «مهد»، به معنای مفعولی، زمین هموار و مسطح است. گهواره نوزاد که برای استراحت او مهیا شده نیز، مهد است. زمین نیز از این رو که برای زندگی، نرم و آماده است، ذلول و مهاده دانسته شده است. (هُوَ الَّذِي جَعَلَ الْأَرْضَ ذَلُولًا) (ملک/۱۵)؛ (أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهَادًا) (نبا/۶)» (جوادی آملی، ۱۳۸۵ش، ۱۰، ۲۳۲)

۲-۲. گهواره

قرآن کریم، در چند موضع از آیات نورانی‌اش، واژه «مهد» را در موضعی به معنای بستر نوزاد یا همان گهواره استعمال نموده است؛ آیات دربردارنده این موضوع، بدین شرح‌اند:

۱-۲-۲. مورد نخست

آیه ۴۶ سوره مبارکه آل عمران، چنین می‌فرماید: «وَيُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَ كَهْلًا وَمِنَ الصَّالِحِينَ» و در گهواره [به اعجاز] و در میانسالی [به وحی] با مردم سخن می‌گوید و از شایستگان است.» (آل عمران/۴۶)

جستاری در مفهوم واژه «مهد» در قرآن کریم ۲۷۱

۲-۲-۲. مورد دوم

شبيه همین مضمون، در آیه ۱۱۰ سوره مائده چنین آمده است: «إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ اذْكُرْ نِعْمَتِي عَلَيْكَ وَعَلَىٰ وَالِدَتِكَ إِذْ أَيَّدتْكَ بِرُوحِ الْقُدُسِ تُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا...»؛ [یاد کن] هنگامی را که خدا فرمود: «ای عیسی پسر مریم، نعمت مرا بر خود و بر مادرت به یادآور، آن گاه که تو را به روح القدس تأیید کردم که در گهواره [به اعجاز] و در میانسالی [به وحی] با مردم سخن گفتی.» (مائده/۱۱۰)

۲-۲-۳. مورد سوم

آیه ۲۹ سوره مبارکه مریم نیز، واژه «مهد» را به معنای گهواره استفاده کرده، می‌فرماید: «فَأَشَارَتْ إِلَيْهِ قَالُوا كَيْفَ نُكَلِّمُ مَنْ كَانَ فِي الْمَهْدِ صَبِيًّا؛ [مریم] به سوی [عیسی] اشاره کرد. گفتند: «چگونه با کسی که در گهواره [و] کودک است سخن بگوییم؟» (مریم/۲۹)

بیشتر قریب به اتفاق مفسران، واژه «مهد» را در صورت به کار رفتن در مورد صبی، به معنای گهواره و محل استقرار کودک گرفته‌اند. (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲ش: ۷۹۱/۶؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق: ۳۶۴/۱؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ق: ۱۷/۲؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق: ۳۳۶/۱؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق: ۱۵۲/۲؛ طباطبائی، ۱۳۹۰ق: ۴۵/۱۴؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش: ۵۲/۱۳؛ مدرسی، ۱۴۱۹ق: ۳۷/۷؛ مراغی، ۱۳۷۱ق: ۴۸/۱۶؛ جوادی آملی، ۱۳۸۷ش، ۲۹۵/۱۴)

۲-۳. دنیا و آخرت

آخرین موضعی که برای واژه مهد در قرآن کریم یافت می‌شود، استعمال آن، در موضع دنیا و آخرت است. آیات در بردارنده این موضوع، عبارتند از:

۲-۳-۱. مورد نخست

«مَنْ كَفَرَ فَعَلَيْهِ كُفْرُهُ وَ مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ يَمْهَدُونَ» هر که کفر ورزد، کفرش به زیان اوست، و کسانی که کار شایسته کنند، [فرجام نیک را] به سود خودشان آماده می‌کنند. (روم/۴۴)

۲-۳-۲. مورد دوم

«فَإِذَا نُقِرَ فِي النَّاقُورِ * فَذَلِكَ يَوْمَئِذٍ يَوْمٌ عَسِيرٌ * عَلَى الْكَافِرِينَ غَيْرُ يَسِيرٍ * ذُرِّي وَمَنْ خَلَقْتَ وَحِيداً * وَ جَعَلْتَ لَهُ مَالاً مَمْدُوداً * وَ بَيْنَ شُهُوداً * وَ مَهَّدْتَ لَهُ تَمْهِيداً؛ پس چون در صور دمیده شود، * آن روز [چه] روز ناگواری است! * بر کافران آسان نیست. * مرا با آنکه [او را] تنها آفریدم و گذار. * و دارایی بسیار به او بخشیدم، * و پسرانی آماده [به خدمت، دادم]، * و برایش [عیش خوش] آماده کردم.» (مدثر/۸-۱۴)

طبق دیدگاه برخی از مفسران، در آیات مذکور، «تمهید» به معنای آماده کردن و مهیا کردن، و هموار و آسان ساختن است؛ در آیه نخست، بدین شکل است که شخص، با عمل صالحی که انجام می‌دهد، جایگاه نیکوئی برای خود در نزد پروردگار، آماده می‌کند؛ یا این که با اعمال صالح، جایگاه خود را در آخرت، مهیا می‌نماید. در آیه دوم نیز می‌تواند به این معنا باشد که خداوند، طبق سنت استدراج، بندگان ناسپاس خود را در دنیا روزی فراوان می‌دهد تا در گناهان خویش غرق شوند و آیه «وَ مَهَّدْتَ لَهُ تَمْهِيداً»، می‌تواند به این معنا باشد که خداوند، راه دنیا و متعلقات آن را برای کافران، آماده و هموار می‌کند تا در آن، راحت گام برداشته و از آخرت غافل شوند. (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲ش: ۴۸۱/۸؛ طباطبائی، ۱۳۹۰ق: ۱۹۸/۱۶؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۲ش: ۴۵۵/۱۶)

۲-۴. جهنم

از دیگر مواضعی که واژه مهد به وفور، در آن موضع به کار رفته است، واژه «جهنم» است؛ قرآن کریم، در آیات متعددی جهنم را به «المهاد» توصیف می‌کند. آیات دربردارنده این موضوع، بدین شرح‌اند:

۲-۴-۱. مورد اول

در آیه ۲۰۶ سوره مبارکه بقره، چنین آمده است: «وَ إِذَا قِيلَ لَهُ اتَّقِ اللَّهَ أَخَذَتْهُ الْعِزَّةُ بِالْإِتْمَانِ فَحَسْبُهُ جَهَنَّمُ وَ لَبِئْسَ الْمِهَادُ؛ و چون به او گفته شود: «از خدا پروا کن» نخوت، وی را به گناه کشاند. پس جهنم برای او بس است، و چه بد بستری است.» (بقره/۲۰۶)

۲-۴-۲. مورد دوم

همچنین در آیه‌ی ۱۲ سوره مبارکه آل عمران، چنین می‌خوانیم: «قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا سَعْتٌ غَلَبُونَ وَ تُحْشَرُونَ إِلَىٰ جَهَنَّمَ وَ بَسَّ الْمَهَادُ؛ به کسانی که کفر ورزیدند بگو: «به زودی مغلوب خواهید شد و [سپس در روز رستاخیز] در دوزخ محسور می‌شوید، و چه بد بستری است.» (آل عمران/۱۲)

۲-۴-۳. مورد سوم

در آیات ۱۹۷ و ۱۹۸ سوره آل عمران نیز چنین آمده است: «لَا يُعْرَفُ تَقَلُّبُ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي الْبِلَادِ * مَتَاعٌ قَلِيلٌ ثُمَّ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَ بَسَّ الْمَهَادُ؛ مبادا رفت و آمد [و جنب و جوش] کافران در شهرها تو را دستخوش فریب کند. * [این] کالای ناچیز [و برخورداری اندکی] است؛ سپس جایگاهشان دوزخ است، و چه بد قرارگاهی است.» (آل عمران/۱۹۸-۱۹۷)

۲-۴-۴. مورد چهارم

واژه «مهاده»، در آیه‌ی ۴۱ سوره اعراف نیز آمده است که بدین شرح است: «لَهُمْ مِنْ جَهَنَّمَ مِهَادٌ وَ مِنْ فَوْقِهِمْ غَوَاشٍ وَ كَذَلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ؛ برای آنان از جهنم بستری و از بالایشان پوشش‌هاست، و این گونه بیدادگران را سزا می‌دهیم.» (اعراف/۴۱)

۲-۴-۵. مورد پنجم

موضع دیگری که قرآن کریم، واژه «مهاده» را در مورد جهنم به کار برده است، آیه ۱۸ سوره مبارکه رعد است که چنین می‌فرماید: «لِلَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمُ الْحُسْنَىٰ وَ الَّذِينَ لَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُ لَوْ أَنَّ لَهُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَ مِثْلَهُ مَعَهُ لَافْتَدَوْا بِهِ أُولَئِكَ لَهُمْ سُوءُ الْحِسَابِ وَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَ بَسَّ الْمَهَادُ؛ برای کسانی که پروردگارشان را اجابت کرده‌اند پاداش بس نیکوست. و کسانی که وی را اجابت نکرده‌اند، اگر سراسر آنچه در زمین است و مانند آن را با آن داشته باشند، قطعاً آن

را برای بازخرید خود خواهند داد. آنان به سختی بازخواست شوند و جایشان در دوزخ است و چه بد جایگاهی است.» (رعد/۱۸)

۲-۴-۶. مورد ششم

آیه ۵۶ سوره ص، آخرین موضعی می‌باشد. که جهنم را به مهاد بودن توصیف نموده، می‌فرماید: «جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَهَا فَبِئْسَ الْمِهَادُ؛ به جهنم درمی‌آیند، و چه بد آرامگاهی است.» (ص/۵۶)

قرآن کریم، عبارات «بِئْسَ الْمِهَادُ»، «بِئْسَ الْمَصِيرُ» و «بِئْسَ مَثْوَى» را بارها در مورد جهنم به کار برده که از آن جمله است:

«... وَ مَاؤَاهُمْ النَّارُ وَ بِئْسَ مَثْوَى الظَّالِمِينَ؛ و جایگاهشان آتش است، و جایگاه ستمگران چه بد است.» (آل عمران/۱۵۱)

«... وَ مَاؤَاهُ جَهَنَّمُ وَ بِئْسَ الْمَصِيرُ؛ و جایگاهش جهنم است. و چه بد بازگشتگاهی است.» (آل عمران/۱۶۲)

واژه مهد در هر سه مورد، به عنوان ظرف مکانی به کار رفته است که بیشتر مفسران، آن را به معنای جایگاه و محل استقرار، ترجمه کرده‌اند؛ این موضوع، در مورد واژه مهاد نیز صدق می‌کند؛ مفسران شهبیری چون طبری و طبرسی و طباطبائی و مکارم شیرازی و... مهاد را در صورت استعمال در مورد جهنم، به معنای هر جا یا چیزی می‌دانند که برای سکونت و استقرار، یهن و گسترده و هموار می‌شود. از نظر این مفسران، خدای متعال، جهنم را از آن جهت به صفت مهاد وصف کرده است که برای گناهکاران و ستم‌گران، آماده و مهیا شده است. (ر.ک: طبری، ۱۴۲۴ق: ۹۳/۱۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش: ۴۴۲/۶؛ طباطبائی، ۱۳۹۰ق: ۳۴۰/۱۱؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش: ۱۸۰/۱۰) البته این مهیاشدن جهنم و عذاب آن برای گناهکاران، محصول تبه‌کاری خود انسان است و این بستر آتشین را خود وی فراهم آورده است که روایت ابن عباس هم به آن اشاره دارد که در تفسیر عبارت «بِئْسَ الْمِهَادُ»

جستاری در مفهوم واژه «مهد» در قرآن کریم ۲۷۵

گفت: «بِسَّ مَا مَهَّدُوا لِأَنْفُسِهِمْ؛ چه بد جایگاهی برای خودشان مهیا نمودند.» (سیوطی، ۱۴۱۴ق، ۱، ۵۷۵؛ جوادی آملی، ۱۳۸۵ش، ۱۰، ۲۴۴)

۳. تحلیل و بررسی معانی ذکر شده

این منظور، این فارس و طریحی، مهد را به معنای آسان و هموار ساختن جایی و یا پهن و گسترده کردن چیزی اعم از فرش و مانند آن می‌داند. (ر.ک: ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ۵/۲۸۰؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۳/۴۱۰؛ طریحی، ۱۳۷۵ش: ۳/۱۴۷) راغب اصفهانی، مهد را به معنای جای همواری می‌داند که برای نوزاد آماده می‌گردد. (ر.ک: راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۷۸۰) علامه مصطفوی، مهد را به معنای قراردادن جای گسترده‌شده و همواری برای استراحت و سکونت می‌داند. (ر.ک: مصطفوی، ۱۴۲۶ق: ۱۱/۱۸۹) حسینی زبیدی، نظر راغب اصفهانی و حسن مصطفوی را پذیرفته و معتقد است که مهد، بسته به شرایط مختلف، ممکن است در هر دو معنا استعمال شود. (ر.ک: حسینی زبیدی، ۱۴۱۴ق: ۵/۲۶۳) با دقت در دیدگاه آن دسته از مفسران که در نوشتار حاضر گذشت، به دست می‌آید که معنای جدیدی به جز آن‌چه که در کتب مفردات وجود دارد، برای واژه مهد ذکر نکرده‌اند. بنابراین، به طور عمده، چهار معنا برای مهد، از سوی دانشمندان لغت و تفسیر، ذکر شده است:

الف) گهواره

ب) آماده کردن جایی برای سکونت و استراحت

ج) گستراندن چیزی مانند فرش و مانند آن

د) آماده و هموار کردن

میزان مطابقت هر یک از معانی ذکر شده با کاربردهای مهد در قرآن کریم، در جدول

زیر به نمایش گذاشته شده است:

آیه	الف	ب	ج	د	آیه	الف	ب	ج	د
الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ مَهْدًا (طها/۵۳)			+	+	+	فَحَسْبُ جَهَنَّمَ وَ لَيْسَ الْمِهَادُ (بقره/۲۰۶)			+
الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ مَهْدًا (زخرف/۱۰)			+	+	+	تُحْشَرُونَ إِلَى جَهَنَّمَ وَ بَيْسَ الْمِهَادُ (آل عمران/۱۲)			+
وَ الْأَرْضَ فَرَشْنَاهَا فَنِعْمَ الْمَاهِدُونَ (ذاریات/۴۸)			+	+	+	مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمَ وَ بَيْسَ الْمِهَادُ (آل عمران/۱۹۸)			+
أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهَادًا (نبأ/۶)			+	+	+	لَهُمْ مِنْ جَهَنَّمَ مِهَادٌ (اعراف/۴۱)			+
تُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ (مائده/۱۱۰)			+	+	+	جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَهَا فَبَيْسَ الْمِهَادُ (ص/۵۶)			+
كَيْفَ نُكَلِّمُ مَنْ كَانَ فِي الْمَهْدِ (مریم/۲۹)			+		+				+
فَلْيَأْنَسِهِمْ يَمْهَدُونَ (روم/۴۴)					+				+
وَ مَهَّدْتُ لَهُ تَمْهِيدًا (مدثر/۱۴)					+				+

روشن است که معنای نخست (گهواره)، تنها با کاربردهای اندکی از مهد در قرآن کریم تطابق دارد؛ چرا که مهد در قرآن کریم، فقط سه بار در مورد گهواره به کار رفته است؛ البته

جستاری در مفهوم واژه «مهد» در قرآن کریم ۲۷۷

بیشتر مفسران، معتقداند که مهد، فقط در صورت به کار رفتن در مورد نوزاد، به معنای گهواره است که سخن درستی است؛ اما نمی‌توان گهواره را به صورت مطلق، معنایی برای مهد در نظر گرفت.

معنای دوم نیز خالی از اشکال نیست؛ چرا که قید «استراحت» داشته و با برخی از کاربردهای مهد در قرآن کریم، سازگاری ندارد. دلیلش هم این است که مواردی که مهد در مورد آن‌ها به کار رفته است، لزوماً جایی برای استراحت نیستند. برای مثال، قرآن کریم، در مواردی مهد را صفتی برای جهنم توصیف کرده است؛ در حالی که جهنم، محل استراحت نیست. بنابراین، به کار بردن قیدهایی همچون «استراحت کردن» و «راحتی» در مورد مهد، نادرست است.

معنای سوم، مهد را به گسترده شدن فرش و مانند آن، محدود کرده است. اشکال این معنا، این است که با تطابق آن با برخی از کاربردهای مهد در آیات قرآن [که در جدول فوق نیز مشاهده می‌شود]، محل اشکال است. ثانیاً اضافه کردن قید «فرش و مانند آن» به معنای مهد، قید زائدی است؛ چرا که مهد، در مورد چیزهای دیگری نیز به کار رفته است که پیش‌تر به آن‌ها اشاره شد. در ضمن وقتی بگوییم «گسترده شدن» یا «پهن کردن»، می‌تواند گسترده شدن فرش را نیز شامل شود و اعم از آن است؛ بر این اساس، معقول است معنایی را به برگزینیم که جامع‌تر باشد.

از دیدگاه نگارندگان، معنای چهارم، جامع و صحیح‌تر بوده و در تطبیق با کاربردهای واژه مهد و مشتقات آن در قرآن، هیچ اشکالی ندارد؛ چرا که اگر در مورد گهواره به کار رود (و یُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ)، به این معنا است که گهواره برای نوزاد، آماده و هموار می‌گردد؛ اگر در مورد زمین به کار رود (الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ مَهْدًا)، به این معنا است که زمین، برای سکونت و زندگی انسان‌ها، آماده و هموار گشته است؛ اگر در مورد دنیا و مال دنیا به کار رود (و جَعَلْتُ لَهُ مَالًا مَمْدُودًا* وَ بَيْنَ شُهُودًا* وَ مَهْدًا لَهُ تَمْهِيدًا)، به این معنا است که خداوند، دنیا و مال را برای انسان‌های ناسپاس، آماده و هموار می‌کند تا در آن فرو رفته و

از یاد خدا غافل تر شوند. در آیه‌ی (وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِأَنْفُسِهِمْ يُمْهَدُونَ)، معنا اینگونه خواهد بود که هرکس در دنیا اعمال نیک انجام دهد، جایگاهی نیکو نزد پروردگارش برای خود، آماده و هموار می‌نماید. در صورت به کار رفتن واژه مهد در مورد جهنم (فَحَسْبُهُ جَهَنَّمُ وَ لَيْسَ الْمِهَادُ) نیز، این معنا به دست خواهد آمد که جهنم، برای کافران آماده و هموار شده است.

۴. نتیجه

۱- چنان که گذشت، واژه مهد در قرآن کریم، در رابطه با مسائلی چون جهنم، زمین، گهواره، دنیا و مال دنیا و مقام معنوی، به کار رفته است. دانشمندان لغت، معنایی تحت عنوان «گهواره»، «آماده کردن جایی برای سکونت و استراحت»، «گستراندن چیزی مانند فرش و مانند آن» و «آماده و هموار کردن» را برای واژه «مهد»، ذکر کرده‌اند. در نوشتار حاضر برای گزینش معنایی جامع از بین معانی مذکور، به تطبیق معانی ذکرشده با تمام کاربردهای واژه مهد و مشتقات آن پرداخته شد و چنین به دست آمد که معنای چهارم (آماده و هموار کردن)، بر سه معنای دیگر رجحان دارد؛ چراکه اولاً اعم از سه معنای دیگر است؛ برای مثال، «آماده و هموار کردن» از جهت معنایی، هم می‌تواند «گهواره‌ی کودک» را در بر گیرد، هم برای «سکونت و استراحت» باشد، و هم در مورد «فرش و مانند آن» به کار رود. ثانیاً سه معنای نخست، در تطابق با کاربردهای مختلف واژه‌ی «مهد»، گاه دارای اشکالاتی هستند. برای مثال، اگر واژه‌ی «مهد» را صرفاً به معنای گهواره بگیریم، تطابق این واژه با کاربردهای آن در مورد «زمین» و «جهنم»، محل سؤال خواهد بود. یا اینکه وجود قید «استراحت» در معنای دوم، این معنا را در تطابق با کاربردهای واژه‌ی «مهد» در مورد جهنم، دچار مشکل می‌کند. وجود قید «فرش و مانند آن» نیز در معنای سوم، قیدی زائد است. در چنین مواردی، گزینش معنای چهارم به عنوان معنای جامع، معنایی واحد به دست می‌دهد که با تمام کاربردهای «مهد» مطابقت داشته و ترجمه‌ی آیات مربوط به ماده «مهد» را از وجود معنای متعدد بی‌نیاز می‌کند.

۱. قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، بیروت: دارالصدر.
۳. ابن فارس، احمد، (۱۴۰۴ق)، معجم مقاییس اللغة، قم: مکتب الأعلام الإسلامی.
۴. بیضاوی، عبدالله بن عمر، (۱۴۱۸ق)، انوارالتنزیل و اسرارالتأویل، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۵. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۷ش)، تسنیم: تفسیر قرآن کریم، قم: مرکز نشر اسراء.
۶. حسینی زبیدی، محمد مرتضی، (۱۴۱۴ق)، تاج العروس، بیروت: دارالفکر.
۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ق)، مفردات الفاظ قرآن، بیروت: دارالقلم.
۸. زمخشری، محمود بن عمر، (۱۴۰۷ق)، تفسیر کشاف، بیروت: دارالکتب العربی.
۹. سیوطی، عبدالرحمن جلال‌الدین، (۱۴۱۴ق)، الدر المنثور فی التفسیر بالماثور، بیروت: دارالفکر.
۱۰. صادقی تهرانی، محمد، (۱۴۰۶ق)، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن والسنة، قم: فرهنگ اسلامی.
۱۱. طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۹۰ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۱۲. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲ش)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو.
۱۳. طبری، محمد بن جریر، (۱۴۱۲ق)، تفسیر جامع البیان، بیروت: دارالمعرفة.
۱۴. طریحی، فخرالدین، (۱۳۷۵ش)، مجمع البحرین، تهران: مرتضوی.
۱۵. فخر رازی، محمد بن عمر، (۱۴۲۰ق)، تفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، بیروت: دار إحياء تراث العربی.
۱۶. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، (۱۴۱۵ق)، تفسیرالصافی، ج ۱؛ تهران: مکتبه الصدر.
۱۷. مصطفوی، حسن، (۱۴۲۶ق)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۸. مدرسی، محمدتقی، (۱۴۱۹ق)، من هدی القرآن، تهران: دار محبی الحسین.
۱۹. مراغی، احمدمصطفی، (۱۳۷۱ق)، تفسیر المراغی، بیروت: دارالفکر.
۲۰. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، (۱۳۷۱ش)، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامیة.